پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۲۶۱ـ۲۸۶ (مقاله پژوهشی)

No. 29, Autumn & Winter 2021/2022

تاریخ انگارهٔ شیطان در عهدین و قرآن کریم

سلیمان عباسی[۱]، محمدهادی امین ناجی[۲]، علیرضا دل‌افکار[۳]، جعفر نکونام[۴]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۰)

چکیده

تاریخ انگاره، از روش‌های نوین با رویکردی تاریخی است که مفهوم و انگاره مشخص را بررسی و تغییرات مؤلفه‌ای را در آن شناسایی و گستردگی، تنگنایی و دگرگونی‌ها را در طول تاریخ –که بر مفهوم ایجاد گشته–، نشان می‌دهد. مفهوم شیطان به مثابه یک انگاره تاریخی با معناشناسی و ریشه‌شناسی پیونده خورده که در گستره تحول تاریخی قرار دارد. شیوه کاربست واژگانی جانشین‌های این مفهوم در متن مقدس و کارکردهای متنوع فریبندگی، هوشمندی و آزمایشگری، کیفیت دوگانه عینی و انتزاعی آن، بازنمونی از همکنشی باورمندان این متن با فرهنگ‌های ناهمسان و نحوه دگردیسی آن است. در این میان قرآن کریم با روایتگری منسجمانه معنای ویژه از مفهوم شیطان در پیوند با نظام گفتمانی خاص ارائه داده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیل متن در معنای کلی آن و مبتنی بر وضعیت کاربرد عملی واژگان جانشین شیطان را در روایت‌گری تنخ و قرآن کریم با سویه در زمانی، شیوه دگرگونی این مفهوم را مورد خوانش قرار داده است.

کلید واژه‌ها: انگاره، اسطوره، شیطان، قرآن کریم، کتاب مقدس.

۱. دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران جنوب (نویسنده مسئول)؛ abbasi@uast.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران (استاد راهنما)؛ Mh_aminnaji@pnu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران (استاد راهنمای همکار)؛ Delafkar@pnu.ac.ir
۴. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (استاد مشاور)؛ jnekoonam@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۱- بیان مسأله

پیشینهٔ تکوّن انگاره‌ها به قدمت حیات بشر است و امروزه همهٔ حوزه‌های زیست بشری را دربرگرفته و با القای نوعی تفکر قالبی، تصویرهای ذهنی خوشایند، ناخوشایند یا خنثی در برابر حوادث مختلف ایجاد نموده است. (غفاری و دیگران، ۱۴۱) در واقع انگاره‌ها مفاهیمی بین الاذهانی‌اند که یک درک ساخت‌یافته در ذهنیت غالب اهالی جامعه را از امور عینی تا انتزاعات ذهنی نمایش می‌دهند. (خانی، ۱۰) تاریخ انگاره به عنوان متمم موضوع انگاره، یک موقعیت مطالعاتی است که به مباحث پیدایش، ماندگاری و دگرگونی انگاره‌ها در امتداد زمانه، تطور کاربست آن‌ها در ادوار متعدد یک فرهنگ یا تمدن، چرایی و علل تحولات می‌پردازد. پژوهنده تاریخ انگاره در پی فهم تصورات ذهنی پیروان یک فرهنگ از یک انگاره، کارکردهای آن در جامعه، علل و چگونگی دگرگونی انگاره در گذر زمان است. (همانجا) در این راستا مفهوم شیطان به‌عنوان انگاره‌ای که بشر در گسترهٔ تاریخ با آن رویارویی نموده، در متون مقدس هم بازتاب یافته است. رهیافت تاریخ انگاره شیطان در متون مقدس، به کاربست این مفهوم در این متون، شیوه روایت‌گری و دگرگونی آن می‌پردازد. فرایند تکونی تنخ و انجیل[1] در گستره زمانی و همکنشی با اقوام و ملت‌ها، انگاره شیطان را در این متون دچار دگرگونی و ناهمسانی در نوع روایت نموده است. البته قرآن کریم از جهت روایت‌گری مفهوم شیطان از انسجام ویژه بهره دارد که در پیوند با نظام گفتمان و چگونگی تکون آن است.

برای بازنمودن این انگاره در متون یادگشته نیاز به بازخوانش روایت‌های این متون و

---

۱. با نگرش درون دینی کتاب مقدس به نگارشگران آن الهام گشته است، بنابراین خداوند نگارندهٔ آن شمرده می‌شود. (آشتیانی، ۵) به باور یهودیان تورات توسط موسی(ع) در هزاره دوم ق.م. به‌رشته تحریر درآمده است (Baden, 13) این باور در پیوند با روایت‌گری تورات می‌باشد. (خروج، ۲۴: ۱-۴؛ خروج، ۲۴: ۱۲ و ۳۲: ۱۶؛ تثنیه، ۴: ۱۳ و ۵: ۲۲ و ۹: ۱۰) نقل‌های تاریخی عهد عتیق از روند شکل‌گیری تورات گزارش‌های بسامانی نیست. (دورانت، ۳۶۳-۳۶۶؛ شاله، ۳۰۲ -۳۰۹؛ بوکای، ۳۲) در باور بیشترمسیحیان نگارشگران اناجیل به واسطهٔ الهام (دوم تیموتائوس، ۳: ۱۶؛ میلر، ۷۱) آن‌ها را نوشتند، اما آغاز تکون انجیل آمیخته با ابهام است. (شاله، ۴۰۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

تاثیر عوامل زیسته در شیوه تکونی آن است. در این راستا فهم پیدایی، بقاء و دگردیسی انگاره شیطان در کتاب مقدس، نیاز به واکاوی آن در گستره تاریخ انگاره‌ای در مصر، میان‌رودان و فرهنگ‌های تمدنی مجاور است. انگاره شیطان در قرآن کریم هم، در پیوند با نظام گفتمانی قرآن و زمینه‌های نزولی است. بر این اساس پرسش‌های این پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

الف- منشأ انگاره شیطان در متون عهدینی و متن قرآن کریم چیست؟

ب- انگاره شیطان در گذر تاریخ، متون عهدینی و قرآن کریم چه تطوراتی یافته است؟

ج- علل و زمینه‌های تاریخی تطورات این انگاره در کتاب مقدس چیست؟

روش این جستار اسطوره‌شناختی، تاریخی و شیوه کار رفت آن در متون کتاب مقدس و قرآن کریم است. در این رهیافت کوشش شده است پیدایی و دگرگونی انگارهٔ شیطان در بستر تاریخی، متن مقدس و قرآن‌کریم بازخوانش شود.

در آغاز برای بررسی تاریخ انگاره شیطان در متون دینی دو مفهوم اسطوره و تاریخ‌انگاره در پیوست با این موضوع بازخوانش می‌شود و در ادامه چگونگی کاربست آن در این پژوهه به آن پرداخت می‌شود.

واژه اسطوره[1] پیش از قرن نوزده به کهن روایت‌های وهم‌آلود، افسانه‌نگری و رؤیاگونه گفته می‌شد که با توسعه و رشد دانش‌ها، برداشت‌ها از آن نیز دگرگون شد. در نگرش پساسنت، اسطوره‌ها به مثابه آینه‌هایی به شمار رفتند که آن‌سوی قرن‌ها را که تاریخ از روایت آن بازمانده داده را بازتاب داده و زبان به سخن باز نموده و فرهنگ انسان‌های نخستین را به‌حال پیوند زدند. (هینلز، ۹) بر این اساس اسطوره کوشش انسان‌های نخستین

---

۱. در باوری واژه «اسطوره» برگرفته از زبان آرامی (جفری، ۱۱۳) و پنداری از واژه یونانی هیستوریا، (Historia) در معنی «جستجو و آگاهی» و «داستان» گرفته است. این لغت در زبان انگلیسی، (Story) به معنای «داستان و حکایت» و در زبان فرانسه، (Histoire) به همین معناست. بر ریشه آن را تازی(اشرفی، ۱۱۶) و از واژه «السَّطْرُ» یعنی نوشتن و خط دانستند (فیروزآبادی، ۱۱۱/۲؛ ابن‌منظور، ۳۶۳/۴؛ طریحی، ۳۳۱/۳) بنابر آنچه که آمد، معنای کار رفت اسطوره در این پژوهش، روایت است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

برای ادراک و درونی سازی رویدادهای هستی به شمار رفت. (فروند، ۷۷؛ الیاده، ۹) در این راستا اسطوره روایت یا تفسیر انسان آغازین از ایزدان، فرشتگان، موجودات فرا طبیعی و جهان است. بنابراین اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت (اسماعیل‌پور، ۱۴) و پدیده‌ها در روایت‌گری اسطوره‌ای در پیوند با فرهنگ‌ها و الگوواره‌های نظام حاکم برآن خوانش می‌شوند.

تاریخ انگاره[1] همان دانش‌های نوپدید در تاریخ نگاری در گستره تاریخ اندیشه است[2]، که رویدادهای تاریخی را در پرتو اندیشه‌ها و آموزه‌ها بررسی می‌نماید. در بیانی این دانش به تحول معنایی انگاره‌ها و مفاهیم در بستر تاریخ اندیشه از جهت تکونی، ثبات و دگرگونی محتوایی و نیز گستره، تنگنایی و یا بازآفرینی مفاهیم در فضای بومی و فرهنگی ویژه می‌پردازد. (Lovejoy,8) از مباحث مهم تاریخ انگاره حوزه روش‌شناختی آن در روی‌آوری به اصل دوگانهٔ «زمینه‌گرایی» و «متن‌گرایی» است که در نوشتارها از آن تعبیر تاریخی و فلسفی شده است. براین اساس تاریخ انگاره با روش‌شناسی ویژه به چگونگی مطالعه یک اندیشه یا نظام اندیشهٔ مشخص می‌پردازد و یا این که مفاهیم را در نسبت با شرایط تاریخی و اجتماعی پیدایش و تکونی آن روایت نموده و اندیشه را در بستر خاص خود به آن معنا می بخشد. (Kelley, 3–25) در رهیافت فلسفی یا متن‌گرایی، مفاهیم در متون به طور مستقل از مناسبات و تأثیرات سیاسی- اجتماعی بررسی می‌شوند و تنها براساس ساختار درونی و انسجام در متن استدلال می‌کند. اما در رویکرد تاریخی یا زمینه‌گرایی، متن اندیشه در پیوست با بستر تاریخی-اجتماعی است. در این راستا موقعیت‌های اندیشه‌ای عصر تکون متن، مفروضات پایه‌ای، سنت‌های فکری و تنش‌های سیاسی-اجتماعی آن باید درک شود. (گلشنی، ۹۳-۹۸؛ مرتضوی، ۲۹۹) تاریخ انگاره با رهیافت کل نگرانه بیشتر بر تحلیل متن در مفهوم فراگیر آن و برپایه کیفیت کاربست عملی

1. History of Ideas

۲. intelectual history/ این دانش از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات تاریخی می‌باشد که به مطالعه و بررسی سرگذشت افکار و آرای موجود در میان دانشوران و دیدگاه در ادوار گوناگون و جوامع متفاوت می‌پردازد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

واژه‌ها در جمله با سویه در زمانی تاکید دارد که بـا شـیوه جزیـی نگرانـه معناشـناختی و ریشه‌شناسی با سویه همزمانی متفاوت است. با این حال از جنبهٔ نظری منعی جهـت پیشـنهاد یک سازوکار پژوهشی در پیوند میان تاریخ انگاره و معناشناسی وجود ندارد و بـا کنـار هـم نهادن «کاوش همزمانی»، یک پی‌آیند کلی را در باب تاریخ دگرگـونی یـک انگـاره در قالـب «کاوش در زمانی» توصیه نمود. بنابراین امکان استفاده از رهیافت‌های گوناگون بررسی معنـا، بسان معناشناسی بنیادی، ساختاری و ریشه‌شناختی برای آماده‌سـازی «داده‌هـای همزمـانیِ» مطالعات تاریخی یک انگاره، فراهم می‌گردد. در این دیدگاه انگاره شیطان در متن مقدس بـه دلیل شرایط ویژه تکونی آن در فرایند زمانی و همکنشی بـا فرهنـگ‌هـای ناهمسـان (میـان رودانی و مصر) افزون بر بازتاب یافتن در متن، نوع دگردیسی و بازآفرینی معنـایی براسـاس گفتمان خاص تنخ[۱] قابل پی‌جویی است. این شیوه در قرآن کریم نیز با خوانش انگاره شیطان در پیشانزول قرآن و نحوه رویارویی متن وحیانی با آن قابل دریافت می‌باشد.

پیشینه تحقیق

مطالعات و نوشتار در حوزه تاریخ انگاره شیطان به صورت یک ترکیبـی انجـام نشـده بلکه نوشتارهای به‌صورت مستقل تنها در یک جـزء هماننـد تـاریخ انگـاره و یـا شـیطان صورت گرفته است.[۲]

---

۱. به مجموعه کتاب‌های دینی یهودیان تنخ گفته می‌شود. در این سامانه، اسفار پنج‌گانه به اضافه اسفار انبیا (نـویئیم) و نوشته‌ها (کتوبیم) می‌باشد، که تورات مهم‌ترین بخش آن است. (هوشنگی و دیگران، ۳۷-۳۸)

۲. در این میان می‌توان به نوشته‌های «قـرآن‌پژوهـی و تـاریخ انگـاره‌هـا» از خانی(۱۳۹۷)، «مقدمـه‌ای بـر تـاریخ نگاری انگـاره‌ای و اندیشـه‌ای» از گرامـی و همکـاران (۱۳۹۶) و «مقدّمـه‌ای بـر تـاریخ‌نگـاری انگـارهای و اندیشـه‌ای» از قراملکی (۱۳۹۶) اشاره نمود. گستره نگارش‌ها درباره انگاره شیطان به دلیل کاررفـت پربسـامد آن در عهدین و قرآن کریم بارهیافت‌های گوناگون انجام شده است. برخی از نگاشته‌ها همانند «بررسی تطبیقی تصویر شیطان در ادیان الهی» (یعقوبیان، ۵۷-۷۴) که با رهیافت تطبیقی به بررسی تصویر شیطان در سه کتاب اوستا، کتاب مقدس و قرآن پرداخت. نوشته «شیطان در آموزه‌های قرآن کریم و کتاب مقـدس» (مرزآنـی، ۸۷-۱۱۰) بـا شـیوه تطبیقی جایگاه و کارکرد شیطان را در نظام هستی توصیف کـرد؛ «معناشناسـی نـوین از واژه شـیطان» (عسـگری، ۲۰۴-۲۱۹) با معناشناسی تاریخی و توصیفی در قرآن، و «تفاوت یا همسانی شیطان و ابلیس» (ممتحن و دیگـران، ۱۲۳-۱۴۰) با بررسی معناشناختی پایه‌ای و کاربست آیات و روایات به همسانی یا ناهمسانی این مفهوم در متـون دینی اسلام پرداخته است. اما پژوهشی با نگرهٔ تاریخ انگاره‌ای نگارش نیافته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۲- همسویی پدیده شر و انگارهٔ شیطان در اساطیر پیشاعهدین

در رهیافت ادیان کهن، انگاره شیطان در همسویی با مسأله شـر و رنـج[۱] آدمیـان قابـل خوانش است. انسان کهن هرچند مفهوم شیطان را برای امور ناخوشایند زیست خود به کار نمی‌برد ولی از آن به «شر»، «نیروی شر» یا «ارواح خبیثه» یاد می‌کـرد. در ایـن پنـدار آنـان رخدادهای ناگوار زیست انسانی همانند بیماری و پدیده‌های طبیعی را به پدیده‌های پنهانی بسان خدایان شر، شیاطین، دیوها، ارواح پلید و جن نسـبت مـی‌دادنـد. (خدابخشـی، ۴۳؛ سامی، ۲۹۰) پناه بردن به پدیدارها و نمادهای طبیعی و آسمانی همانند حیوانات، گیاهـان، اجرام آسمانی و حتی ارواح درگذشتگان و تقدیس آنان، برای رهایی از شر و عوامل رنـج، زمینه پیدایش خدایان متعدد را فراهم کرد. اقوام بدوی با سحر و جادو سعی در دفع شـرور ارواح گزندرسان و جذب ارواح مفیده داشتند. (الناس، ۱۳)

در روایت اساطیری میان‌رودانی (سومری، آشوری و بابلی) افزون بر کارکرد شیاطین و توانمندی‌های ویژه آنان همانند نفوذ در دیوارها، فرود از پشت بام‌ها، ویرانـی خانـه‌هـا بـا طوفان، ورود به منازل بدون ممانعت، گسست پیوند زناشویی، ربودن فرزندان از مادرانشان، نام‌های خاصی برای ایزدان بر اسـاس نـوع شـر و کارکردشـان خـوانش شـود. «لابـارتو» کودک‌کش، «لاباسو» مأمور ترس و «احناسو» عامل سیاهی و سیاهی و زردی رخسار بـود. (مبلغی آبادانی، ۴۵/۲) سومریان به گروهی از ارواح خبیثه، عفریت‌ها و جنّیان باور داشتند و برای در امان ماندن از شرّ آن‌ها، قربانی می‌کردنـد. (قـدیانی، ۳۷) سـومریان افـزون بـر پرستش «خدایان بزرگ» و رب‌النوع‌های کشاورزی، به آنیمیستی[۲] و حتی ابتـدائی‌تـر از آن

---

۱. از ریشه‌های پیدایش انگارهٔ شیطان پدیده رنج در زیست آدمیان است. این پدیده از مهـم‌تـرین آمـوزه‌هـای ادیـان همانند آیین بودایی است که هستی انسان را در پیوند با رنج دانسـته و بـرای رهـایی از آن و رسـیدن بـه نیروانـا، روش‌های مانند شناخت، پندار و کردار درست را توصیه می‌کند. (رستمی و دیگران، ۵۳؛ بهار، ۱۸۰) ایـن موضـوع در ادیان توحیدی نیز بازتاب یافته است که راه تعالی و کمال را همراه با رنج می‌دانـد. (اعمـال رسـولان، ۱۴: ۲۲؛ اوّل تسالونیکیان، ۳: ۳-۴) و هم‌چنین موضوع رنج در آیات قرآن انعکاس یافته است. (البلد/۴، الانشقاق/۶)

۲. Animism/ در لغت «تحریک و تهییج کردن»، (الناس، ۳۲) و در اصطلاح زنده باوری یـا جـان بـاوری مـی‌باشـد. نخستین بار «تایلر» انسان‌شناس انگلیسی در بیان تئوری‌اش در خصوص منشأ دین به کاربست، روح یا روح‌پرستی گونـه‌ای دیـن ابتـدایی اسـت. (سـلیمانی اردسـتانی، ۴۴) جـان‌گرایـان، طبیعـت را دارای درک انسـان‌گونـه (Anthropomorphic) می‌دانند و با آن به نیایش پرداخته و برای آن قربانی می‌کنند تا طبیعت را تحـت تـأثیر قـرار دهند. (توفیقی، ۱۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

معتقد بودند، آن‌ها بر این باور بودند که ارواح خوب و بد زیادی بر طبیعت حکمرانی کـرده و مریضی و مرگ فرو می‌فرستند یا انسان‌ها را در امور زندگی یاری می‌کردنـد، لـذا آن‌هـا راستایش می‌کردند. ارواح نهرها –که آن‌ها طبق مذهب رسمی و درجوامع مشترک ستایش می‌شد – هم‌چنین ارواح خانگی –که نگهبان کانون خانواده بودند– و ارواح مردگان –که در مواعد معین برای آن‌ها قربانی می‌شد– از دسته ارواحی بودند که ستایش می‌شـدند. در واقع عموم بابلیان برای آیین سحر و جادو -که از باور به وجود ارواح بد و خوب نشـأت می‌گرفت– ارزش وافری قایل بودند. «تسخیر جنیـان و شـیاطین»[1] و سـحر و جـادوگری ضمن رواج در بین عموم مردم، مورد پذیرش دین رسمی هم بود و تکمیل گشت. در کنـار معبدها، مدرسه‌های مخصوص خوانندگان دعاها و وردها قرار داشت که باورهای عوامانـهٔ تسخیر جن و شیاطین را سامان می‌دادند. نیایش‌ها و آیین‌های آمیخته با سحر عوام، توسط این اشخاص، به آیین با عظمتی مبدّل گشت که با قربانی همراه بود و سـرانجام ایـن آیـین مذهبی خاص در مراسم مذهبی آشوریان درج شد. (کاژدان، ۱۵۵) در تمـدن‌هـای مجـاور میان‌رودان چون ایران، آیین مزدیسنا دوره هخامنشی بر پایهٔ باور بـه خـدایان خیـر و شـر استوار بود، که با گذر زمان به ثنویت منجـر شـد کـه در نظـام اندیشـگی ایرانیـان ثنـوی، اورمزد[2]/ اهورامزدا/ سپنتامئینو[3] نماینده خیر، نور و نیکی اسـت و اهـریمن/ انگـره مئینـو پادشاده دنیای زیرین، نماینده شر، تاریکی و دروغ اسـت. (کومـون، ۱۶۸) عـلاوه بـر ایـن ایرانیان ارواح پلید را دشمن خود می‌پنداشتند و برای دفع شر آن‌ها به جادو و افسـونگری می‌پرداختند. (دماوندی، ۹۶) مصریان نیز باور داشتند گناه آدمی تسـلط شـیطان را در پـی دارد و حلول شیطان در جسم انسان موجب بیماری است و با انواع سحر و جـادو، تعویـذ،

1. Demonologie

۲. در اوستای کهن (گات‌ها) اهورامزدا آفریننده‌ی روشنایی و تاریکی، خواب و بیداری، بامـداد و نیمـروز و شـبانگاه است. (۴۴/۵) او آفریدگار همه‌چیز (۴۴/۷) و فراهم کننده‌ی خوشی و ناخوشی اسـت. (۴۵/۹) در ایـن سـرودها، اهورامزدا آفریننده‌ی یگانه‌ای است که دوگانگی‌ها و اضداد را با هم آفریده‌است. او آفرینش‌های متضـاد را بـه ایـن دلیل آفریده تا در خدمت انسان باشند. در این راسـتا تـاریکی و روشـنی بازتـابی از دوگـانگی مـنش دو مینـوی نخستین؛ انگره‌مئینو (angra. mainyu) و سپنتامئینو (spanta. mainyu) است که از اهورامزدا سرچشـمه گرفتـه‌انـد. (مقدم، ۱۶) ولی در اوستای نو به دوگانگی اهورامزدا و اهریمن دگرگون می‌شود.

۳. مینو (mēnōg) دنیایی که موجودات آن در حالت نادیدنی و بدون تن هستند. (Bundahišn, 36,1)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

حرز و طلسم سعی در درمان آن داشتند. (دورانت، ۱۵۷ و ۳۰۴) چنین پنداری در میان سامیان رواج داشت. (صفا، ۳۰)

براساس روایت‌گری اساطیری میان‌رودان هر کدام از مظاهر طبیعی جهان هستی خدایی داشت که بر آدمیان برتری داشتند. با گذر زمان باور به چندخدایی سومری‌ها به اعتقاد به تک‌خدایی دچار دگرگونی شد، – بدان‌گونه که با برتری بابل در بین‌النهرین، مردوک/ مردوخ خدای برتر بازشناسی شد و بُخت نَصَّر، مردوک را به‌عنوان خدای واحد و شخصی خود پذیرفتند که شباهت بسیاری به یکتاپرستی داشت (شاله، ۲۳۳)– با این وجود سایر خدایان به‌طور مطلق از بین نرفتند بلکه جلوه‌ای از خدای برتر به شمار آمدند و گاه به شکل‌های فرشته، شیطان و جن نمود یافتند. (چیغ، ۱۹–۲۰) در نتیجه انسان میان‌رودانی در رویارویی با ناملایمتی‌های زیست، آن را به خشم خدایان نسبت داده و یا به شر، نیروهای شریر، ارواح پلید و جن منتسب می‌ساختند و برای دور ماندن از شرور، برای آن‌ها قربانی می‌کردند. (قدیانی، ۳۷) براساس روایت‌گری اساطیری میان‌رودانی از شر، نیروهای شر و شیوه رهایش از آن بازنمایی از سویه عینی و انضمامی این پدیده در نظام گفتمانی آنان دارد.

در ادامه باید افزود که با پیدایش ادیان توحیدی و نظام گفتمانی ویژه آنها، روایت از انگاره شیطان با سویه عینی به‌سوی انتزاعی تغییر یافت. این باز آفرینی و دگردیسی در متن مقدس در روایت‌های آغازین آن در سفر پیدایش قابل بازخوانی است که با روایت‌های اساطیری از جهت انضمامی بودن همپوشانی دارد، اما از سوی دیگر این نیروهای شریر و خدایان شر در مفهومی به نام شیطان متبلور شد و از جایگاه خدایی تنزل یافته و به‌عنوان آفریده یهوه در کنار سایر مخلوقات قرار گرفت. در این روایت ها می توان دو مؤلفه اسطوره و انگاره شیطان را در دوسوی انضمامی و انتزاعی ملاحظه نمود.

۳- کاربست واژگانی شیطان و جانشین آن در روایت کتاب مقدس

در روایتگری کتاب مقدس افزون بر به کارگیری واژه شیطان و کارکرد آن در زیست

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

پیامبران بنی‌اسرائیل با گونه‌های ناهمسان اغواگری و آزمون[۱] به جانشین های در پیوند مفهومی با آن هم پرداخته شد. هرچند این واژگان دارای تنوع می باشند اما از جهت معنایی با آن همپوشانی دارند. در آغاز مفهوم شیطان و برخی جانشین‌ها در کتاب مقدس بررسی و در پی آن به عمده‌ترین جانشین آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. انگاره شیطان در متن مقدس

واژه شیطان، عبری שָׂטָן«sâtan» اسم عام «هر اتهامی» یا «دشمنی» (Kelly,1–13,28-29) که در کتاب مقدس به موجود فراطبیعی (ایوب، ۱ و ۲؛ زکریا، ۳) و دشمن انسان به کار رفته است. (Kelly, 1–13, 28-29; Campo, 603) در پنداری مفهوم انگلیسی "devil"[۲] «ابلیس یا شیطان» تصحیف ترجمه یونانی "diabolos" «سخن‌چین» از ترجمه سبعینی عهد عتیق و نمایاننده واژه عبری به معنای شیطان در کتاب زکریای نبی، باب سوم است. (هاکس، ۵۴۵؛ عسکری، ۲۱۵) واژگان «اَبَدون»[۳] و «اپلیون»[۴] «هلاک‌کننده» با مفهوم شیطان همپوشانی دارد. (هاکس، ۵۴۵) مفهوم لوسیفر[۵] «درخشان و ستاره صبح»[۶] که در تورات یک بار به‌کار رفته است. (Kelly, 1–13; Campo, 603) تعابیر «بعلزبول» (متی، ۱۰: ۲۵؛ متی، ۱۲: ۲۴؛ متی، ۱۲: ۲۷؛ لوقا، ۱۱: ۱۵؛ لوقا، ۱۱: ۱۸؛ لوقا، ۱۱: ۱۹) به معنای خدای فرار؛ «بلعیال» (یوحنا ۱۲: ۳۱؛ و۱۴: ۳۰؛ و ۱۶: ۱۱؛ افسسیان، ۲: ۲؛ متی، ۹: ۳۴؛ مرقس،

---

۱. تنخ در فصل تواریخ (باب ۲۱: ۱–۴) به ماجرای شیطان و اغواگری او بر ضداسرائیل را گزارش می‌کند. در کتاب ایوب (باب ۱: ۲–۱۲ و باب ۲) و کتاب زکریا (باب۳: ۱–۵) شیطان نقش آزمایشگر پیامبرانی همانند ایوب، داود و یهوشع را ایفا می‌کند.

۲. کلمه devil انگلیسی و برگرفته از dēofol و مأخوذ از diabolus لاتین است.

۳. هاویه به حضور او عریان است ، و اَبَدّون را سِتری نیست (ایوب، ۲۶: ۶)؛ اَبَدّون و موت می گویند که آوازه آن را به گوش خود شنیده‌ایم. (ایوب، ۲۸: ۲۲؛ امثال، ۱۵: ۱۱؛ ۲۷: ۲۰)

۴. اپولیون واژه یونانی Απολλυων از ریشه απολλυειν «نابودگر» در کتاب مکاشفه یوحنا (۹: ۱۱) معادل حیوانی که در این کتاب معرفی شده که امروزه به عنوان نام معادلی برای شیطان به کار برده می‌شود.

5. Lucifer/הילל

۶. ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قوم‌های جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی! (اشعیا ۱۴: ۱۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۳: ۲۲؛ لوقا، ۱۱: ۱۵) از تعابیر دیگر شیطان در کتاب مقدس است که به معانی رئیس این جهان، رئیس دیوها، خدای این جهان، ابلیس، قاتل، پدر دروغ‌گویان، اهریمن و اژدها، مار قدیم، دشمن و شیر غران است.

۳-۲. کاربست مار در متن مقدس و اساطیر

از عمده‌ترین واژه‌ها در پیوند با مفهوم شیطان کاربست واژگانی اژدها و مار در روایت‌گری تنخ[۱] می‌باشد. این مفاهیم در فرهنگ و تمدن‌های میان‌رودانی مار و اژدها، مفاهیمی هستند که گاه جایگزین هم در نماد شر و بدی‌اند. این خوانش در اسطوره‌های ایرانی به اهریمن (انگره مئینو) دیوی دیرین نامبردار گشته که می‌تواند به صورت سوسمار/ مارمولک یا مار درآید و برای ستیز با نیکی، از سایر دیوها نیز یاری می‌جوید. (کرتیس، ۱۲۱) البته در روایت‌های میان‌رودانی این مفاهیم دارای کارکردی دوگانه[۲] هستند که افزون بر نقش‌آفرینی آنها در آفرینش به دست پهلوانان کشته می‌شوند. در اسطوره بابل، مردوک با شمشیر بر اژدهای بال‌داری چیره شده است. (ژیران و دیگران، ۷۱) در فرهنگ میان‌رودانی با باروری قرین بوده و دورکننده نیروهای شیطانی است. مارها بر دروازه‌ها، به گرد سرشاهان، به گرد محرابها، و بر دسته سلاحها و کوزه‌ها و گلدانها نقش می‌شدند و در حالی‌که به خود پیچیده بودند، تختگاه خدایان به شمار می‌رفتند. تصویر ماری که بر گرد درخت زندگی پیچیده است، خود نماد برکت بخشی بود. مار در این فرهنگ‌ها به مرز خدایی رسیده بود. (مظفری، زارعی، ۹۱) مار در دوران کهن مورد اکرام واقع می‌شد، در اسطوره‌های میان‌رودانی، خدایان با اندامی مارگون یافت می‌شوند. تیامت، نخستین

---

۱. تورات در سفر پیدایش (باب ۳: ۱–۱۵) از ماری فریبا و باهوش سخن رفته که ابتدا حوّا سپس آدم (ع) را گمراه می‌کند.

۲. کارکرد دوگانه اژدها در اساطیر غیر میان‌رودان هم قابل پی‌جویی است. در اسطوره‌های چینی آن را در پیوند با آب و باران بوده و نامیرایی (رستگار فسایی، ۱۷) و نماد اندیشه‌ورزی، اقتدار، باروری دانسته شده (نایب‌زاده و دیگران، ۲۴۰) که خیرخواه و دارای تقدس است (رستگار فسایی، ۲۱) اما در برداشت آریائیان ناسودمند به شیطانی بدل گشته است. (کلانتر و دیگران، ۲۵۵–۲۵۶) در روایت اساطیری نیز یونان نیز دارای دو کارکرد مثبت و منفی است. (همو، ۲۵۷–۲۵۸)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

مارخدای آفریننده در اسطوره‌های سومری، به سان ماری بزرگ نمایان می‌شود. در اسطوره آفرینش بابلی «انومه الیش»[۱] آمده است که فرزندانی به شکل مار از تیامت زاده می‌شوند. (Thorkild, 104) پرستش مارخدایان در میان‌رودان، دارای پیشینه‌ای دیرینه است، نگارهٔ دو مار به‌هم گره‌یافته که گویا دارای تنی واحدند، از جملهٔ مارخدایان «نیرح»[۲] در شهر «دیر»[۳] کرانهٔ بین میان‌رودان و عیلام بود که بنام وزیر «ایشتَرَن»[۴] رب/ صاحب شهر دیر ستایش می‌شد. (Skinner, 42-45؛ بلک، گرین، ۲۷۵) از جمله خدایان شبیه مار میان‌رودانی «نین‌گیش‌زیدا»[۵] فرمانروای دنیای زیرزمین در اسطوره سومری است؛ در روایت‌گری بابلی، تیامت[۶] مادر هستی به صورت اژدها صورت‌بندی شده که توسط مردوک کشته می‌شود و از تکه‌های کالبدش عناصر عالم تکون می‌یابد. (الیاده، ۶۹-۷۰) کارکرد دوگانه مار/ اژدها که با حیات و زایش طبیعت پیوند دارند (دو بوکور، ۵۵) و از سوی دیگر نشانه پریشانی و سیاهی/ تاریکی هم می‌باشد. (کلانتر و دیگران، ۲۵۴؛ ژیران و دیگران، ۵۹؛ شوالیه، ۱۲۵ و ۱۳۱) دشمنی انسان و مار (اژدها) در روایت گیلگمش آمده که مار، گیاه جاودانه را از قهرمان داستان «گیلگمش» می‌رباید (گیلگمش، ۱۰۴) و مانع جاودان زیستی وی می‌شود. روایت آفرینش تورات و نقش دوگانه مار تداعی‌کننده روایت میان‌رودانی در اساطیر میان‌رودانی است.

مار در انگاره‌های مردم باستان و میان‌رودان سمبل حاصلخیزی و رشد بوده، و پوست‌اندازی سالانه مار، نشان از حیات دوباره و بی‌مرگی آن بوده است. اما پی‌جویی تغییرات بنیادینی که طی هزاره‌ها در فهم این انگاره داده حاکی از پایدار نبودن نمادها و

---

۱. EnūmaElisha/ حماسه آفرینش بابلی که الواح آن توسط آستین هنری لایارد در کاخ آشور بنی‌پال یافت شد. این روایت در هفت فصل و بیش از هزار سطربه زبان اکدی و خط میخی بابلی سامان یافته است. (وکیلی، ۱۳)

2. Nirah
3. Der
4. Ishtaran
5. Ningišzida

۶. تیامت از خدایان نخستین، خدای آب‌شور و تلخ (تیامت، مادر) و آب شیرین (آپسو ، پدر) از پیوند آب‌های شور و شیرین، خدایان نخستین پدید آمدند. «لحمو» و «لحامو» آغازین مخلوقات و ایزدانی و زوج مار اژدهاوش‌اند. (ژیران و دیگران، ۵۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

امکان دگرگون شدن معانی آنها دارد؛ به‌گونه‌ای که این انگاره جایگاه زاینده بودن و نقش حیات داشتن خود را با جایگاه شیطانی عوض کرده است. در فرهنگ عبری جانوران درنده و مارهای گزنده –که دارای روح شیطانی بودند– مورد احترام بودند. (مبلغی آبادانی، ۵۶/۲) پر واضح است که در ادیان ابراهیمی مار، همدست شیطان و موجودی ملعون است، طبق روایات اسلامی مار حیوانی زیبا و دارای چهار پا مانند شتر بود و از خزانه دارهای بهشت به شمار می‌رفت. اما چون با ابلیس در اغوای آدم همکاری کرد، خداوند مار را از بهشت رانده و او را به خاک خوردن و با شکم خزیدن عقوبت کرد. در تورات نقش گناه‌آلود مار بیشتر است چرا که در اینجا خودِ مار وسوسه‌گر است. (قائمی‌منش، ۵۴)

روایت‌گری تورات از فریفته شدن آدم و حوا توسط مار – در دهان مار یا به شکل مار– (پیدایش ۳: ۱–۱۴) که با معانی دشمنی و سخن چین همسازی دارد، نمایی از دگردیسی معنایی این کهن الگو است. این کاربست معنای نوین در عهد جدید هم جلوه‌گری دارد و واژگان اژدها، مار، ابلیس و شیطان را همسان پنداشته که دارای تبار فرشتگان‌اند. (مکاشفه ۱۲: ۹؛ مکاشفه ۲۰: ۲) با توجه به این گفته‌ها باید گفت، پی‌جویی دگرگونش معنایی شیطان در توالی زمانی هزارگان فهم این انگاره را ناپایدارنموده که با رهیافت بینامتنی دگردیسی معنایی آن در امور منفی و ناخوشایند قابل دسترسی است.

٤- انگاره شیطان در روایت‌گری کتاب مقدس

نیروهای شر در روایت تورات به دو صورت طبیعی، جانمند[1]، عینی بهره داشته و مستقل از یهوه و از سوی دیگر انتزاعی گزارش شده است. در این راستا شیوه روایت‌گری اسفار پنج‌گانه عهد عتیق از شیطان با روایت‌های پسینی آن همانند صحیفه زکریا و ایوب متفاوت می‌باشد. بنابر گزارش عهد عتیق شیطان در باغ عدن به‌شکل مار ظاهر شد و حوّا را فریب داد. (پیدایش، ۳: ۱–۷؛ حزقیال، ۲۸: ۱۳) در این روایت شیطان موجودی

1. Animalism

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

آگاه، خردورز و انسان‌وار معرفی شده که در پی خرد ورزی و معرفت آدمی است.[۱] (پیدایش، ۳: ۱-۱۴) افزون برآن، خدا (یهوه) دشمن آدمی دانسته شده که به دنبال فریبکاری در بازداری انسان از برخورداری جاودان زیستی، دانش و معرفت است. در این الگوی روایی، شیطان موجودی خیرخواه شناخته شده که خواهان نجات آدمی از فریب خدا است.

صورت‌بندی شیطان در شکل مار در روایت‌گری تورات و گفتگوی میان وی و حوا یادآور کنشگری مثبت مار در روایت میان‌رودان است. بنابر روایت تورات مار به حوا می‌گوید: «شما نخواهید مرد اما خدا می‌داند روزی که از آن بخورید چشمان شما باز شود و بسان خدا به نیک و بد آگاهی می‌یابید.» (پیدایش، ۴: ۳-۵) در این روایت حوا فریفتهٔ فریبندگی شیطان می‌شود و میوه ممنوعه در نظرش خوشایند و دل انگیز می‌نماید؛ و با خوردن آن خود و همسرش با نهیب خداوند روبه رو می‌شوند. (پیدایش، ۱: ۳-۷) هرچند در روایت‌گری تورات، خداوند از این کنش‌ها آگاهی ندارد. (پیدایش، ۳: ۸-۱۳)

تنخ در ادامه سنخ دیگری از شیطان را روایت می‌کند. هرچند در این روایت شیطان دارای ماهیت عینی و انسان‌وار معرفی گشته، اما به گونه بدخواه انسان نمایش داده می‌شود. براساس روایت‌گری تورات، شیطان افزون بر همنشینی و حضور در آسمان و در پیشگاه خداوند (ایوب، ۱: ۶-۸) درباره یکی از برگزیدگان (ایوب) با یهوه مناظره می‌کند (ایوب، ۱: ۸) و راستکرداری و دوری گزیدن از گناهان ایوب در زیست فردی و اجتماعی را به دلیل بهره‌مندی گسترده از نعمت و فزونی رفاه دانسته است. (ایوب، ۱: ۱-۶) خداوند به عنوان خیرخواه ایوب همه دارایی ایوب را به شیطان داده و از وی می‌خواهد دستش را بر ایوب دراز نکند. (همان، ۱: ۷-۱۳) در روایت دیگر شیطان نقش آزمون‌گر را ایفا می‌کند و برای اثبات گفته خود در ناراستی ایوب از خدا می‌خواهد که وی را در آزمونی به وی بسپارد و خدا ایوب را به شیطان واگذار کرد. (همان، ۲: ۱-۱۰) لازم به یادآوری است که گزاره‌های پیشین در این روایت، ناآگاهی خداوند از کنشگری شیطان در پرسش «کجا

---

۱. این روایت از شیطان با ترجمه یونانی «دیابولس» در معنی سخن چین همخوانی دارد. (هاکس، ۵۴۵)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

بودی؟» بازخوانش می‌شود. (همانجا) چنین ماهیت بدسرشت، گمراه‌کننده وآزماینده در صحیفه زکریا (زکریا، ۳: ۲–۳) و داود هم بازنمون می‌شود. (اول تواریخ، ۲۱: ۱–۵)

البته شیوه رویارویی و کارکرد شیطان در روایت‌گری تورات یادآور نقش دوسویه «ایزد اِنکی»[۱] در رویداد طوفان است. بنابر روایت‌های میان‌رودانی ایزد اِنکی از یک سو برای نابودی آدمیان در اجتماع خدایان شرکت کرده و توصیه‌هایی برای نابودی انسان‌ها ارائه می‌کند و از سوی دیگر با آشکارسازی تصمیم‌های ایزدان به عنوان حامی و هدایت‌گر نقش رهایی از طوفان را برای اتره خسیس (نوح اکدی) ایفا می‌کند. کنش متفاوت ایزد انکی در برابر سایر خدایان و انسان (گری، ۵۵) در روایت‌گری تورات از شیطان به صورت تدبیرگر و گمراه‌کننده برای انسان بازتولید می‌شود.[۲] به نظر می‌رسد دگرگونی‌های روایی به دلیل همکنشی با همسایگان و تیره‌های مختلف (اسارت در بابل) به ویژه آشنایی بادین زرتشت و شیوه روی آوری آنان به اهریمن با سویه بی صورتی و انتزاعی بود که روایتگری تورات را تحت تاثیر قرار داد. چنین پنداری در گمانه برخی که مدعی شدند وجود انگاره‌هایی همانند ابلیس، اژدها (مکاشفه، ۱۲: ۷–۹)، ارواح پلید (متی، ۱۲: ۲۲–۲۴؛ مرقس، ۳: ۹–۱۱) و جن/ اصحاب اجنه (لاویان، ۱۹: ۳و ۲۰: ۶، لاویان، ۲۰: ۲۷؛ تثنیه، ۱۸: ۱۱؛ دوم پادشاهان، ۲۱: ۶؛ اول سموئیل، ۲۸: ۱–۲۰) از باورهای یهودیان نبوده و به دلیل همکنشی با طوایف بابلی و میان‌رودانی و نیز آشنایی با دین زرتشتی بوده که در تنخ راه یافته (انس امیرکانی، ۳۸۷/۱؛ مبلغی آبادانی، ۲۳۵/۲) قابل پی‌جویی است.

انگارهٔ شیطان در گفتمان عهد جدید، به عنوان موجود آزماینده عیسی(ع) از جانب خدا، (متی،۴: ۱، ۵) وسوسه‌گر (متی ۴: ۱۱؛ مرقس ۱: ۱۳) دارای قدرت چیرگی بر آدمیان (لوقا ۱۳: ۱–۱۶) که برای رسیدن به اهدافش ایستادگی کرده و ناامید نمی‌شود. (لوقا ۲۲: ۳–۶؛ یوحنا ۱۳: ۲ و ۲۷ و ۶: ۷۰–۷۱) البته در آخرالزمان شیطان به‌وسیلهٔ فرشته‌ای در

---

۱. Enki: یکی از خدایان سومر که حامی شهر اریدو بود.

۲. در گمانه برخی روایت فریبکاری شیطان در تورات برگرفته از روایت‌های بابلی است. (هوردرن، ۳۶ـ۳۹ و ۵۴ـ۵۹؛ باربور، ۱۳۰–۱۳۱؛ یوسفیان، ۲۵۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

چاهی بی‌انتها به مدت هزار سال اسیر خواهد شد، تا نتواند هیچ قومی را بفریبد (مکاشفه ۲۰: ۱-۷) در این مدت عیسی(ع) حکومت خواهد کرد که همان رستاخیز اول است. (آشتیانی، ۳۰۴) در اندیشهٔ باوری مسیحیان فرا رسیدن ملکوت خداوند مسبوق به فرمانروایی شیطان و به کمال رسیدنِ بدی، است. (دورانت، ۱۶۲۸؛ مکاشفه، ۲۰: ۷-۱۱) به نظر می‌رسد انگارهٔ شیطان در اناجیل – با توجه به تصویرسازی‌های روشن، با ذکر زمان و مکان- رویکرد عینی و انضمامی دارد اما در مکاشفه یوحنا به رویکرد انتزاعی و ذهنی دگردیسی یافته است.

۵- مفهوم شیطان در فرهنگ پیشا قرآنی

مفهوم شیطان در فرهنگ سامی به عنوان اسم خاص رواج داشت. (جفری، ۲۸۲) نام‌های افرادی همانند، الشیطان بن عوف بن النخع (ابن‌حزم، ۴۱۶) معاویهٔ بن الشیطان ابن معاویهٔ (ابن‌حزم، ۲۰۸) عاهان بن الشیطان (ابن درید، ۴۰۱) و شَراحیل بن الشَّیطان بن الحارث (ابن درید، ۴۰۶) بازنمایی از گستره استعمال و آگاهی عرب پیشا اسلام از این مفهوم است. با ارجاع به متون پیشا اسلامی می‌توان به‌کارگیری واژه «شیطان» یا «شیطان الحماطه» با معناداری مار را دریافت. (ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ ابن ناقیا، ۷۰؛ فراهیدی، ۲۳۶/۶؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱) چنین کاربردی در اشعار عرب[1] بازنمایی از برداشت، تجربه و شیوه کاربستی این واژه در زیسته عرب می‌باشد. (عباسی و دیگران، ۹۵-۱۰۵) در گامی فراتر استعمال نام‌های قبیله به مار همانند بنوحیّه، بنوافعی و بنوخش - از شاخه‌های قبیله اوس- بیانگر کارکرد معنوی و توتم[2] بودن آن در میان سامیان است. (جفری، ۲۸۲)

به نظر می‌رسد به‌کاربردن مفهوم شیطان در برداشت مار به دلیل همکنشی با اقوام هم‌جوار (میان‌رودان) باشد. چنانچه آمد در فرهنگ میان‌رودان مار دارای کارکرد مثبت، به

---

۱. تلاعب مثنی حضرمی کأنّه تعمّج شیطان بذی خروع قفر (ابن‌قتیبه، ۲۲۴؛ ابن ناقیا، ۷۰) آنان (عنان‌ها) بر پشت شتر حضرموتی همچون پیچ و تاب خوردن مارها در بیابانی که گیاه خروع در آن روییده باشد، به خود می پیچند. (عسگری، ۲۱۰؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱-۲۱۴)

۲. توتم‌پرستی نوعی باور درباره پیوند و ارتباط معنوی و خویشاوندی بین گروهی از آدمیان با یک موجود فیزیکی دیگر (حیوان، گیاه یا شیء) با عنوان توتم برای محافظت از طایفه می‌باشد. (گولد و کولب، ۲۷۳-۲۷۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

صورت یاری‌رسان، عامل باروری زمین، پوست‌اندازی سالانه آن نشان از بی‌مرگی (قائمی‌منش، ۵۴) و دورکنندگی نیروهای شرکه به قلمرو خدایان رسیده بود. (مظفری، زارعی، ۹۱) در ادامه باید افزود که اندام گونگی خدایان میان‌رودان در شکل مار (Thorkild, 104) نشان از استواری و تاثیرگذاری آن در این سرزمین دارد. در این تحولات ناپایدار معنای شیطان و کارکرد آن از خوشایندی به ناخوشایندی و به طور کلی امور منفی باز تولید شد. (قائمی‌منش، همان‌جا)

شیوه زیسته در دوران پیشاقرآن، پیروی از قواعد فراطبیعی و امور کیهانی اساطیری بود. این شیوه زیستی همبسته با تنوع پرستش بسان چندگانه‌پرستی با اشکال گوناگون، پدیدارهای جمادی، اجرام آسمانی، (حموی بغدادی، ۲۳۵/۲-۲۳۶) نمود جانوری، گیاهی و امور کیهانی در سایه رب‌الارباب‌پرستی خوانش می‌شود. (فیومی، ۵۱۹/۱-۵۲۰) قرآن‌کریم در واکنشی، باورهای اعراب پیشااسلامی را درباره امور کیهانی بیان می‌دارد: «وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ. و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند با این که خدا آنها را خلق کرده است و برای او بی هیچ دانشی پسران و دخترانی تراشیدند او پاک و برتر است از آنچه وصف می‌کنند.» (الانعام/ ۱۰۰) در پنداره عرب جاهلی فرشتگان همان ارواح بودند که پرستش می‌شده است. «وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ. و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کند آن‌گاه به فرشتگان می‌فرماید آیا این‌ها بودند که شما را می‌پرستیدند.» (سبا/۴۰) شاید این باورمندی در همنشینی و همکنشی با یهودیان و ملت‌های همسایه در میان اعراب رواج یافته باشد. (فیومی، ۵۲۰/۱) اعتقاد به وجود و حضور عینی شیطان در زیست مردمان این دوره در ادبیات شعری و قرآن کریم (شعراء/ ۲۲۱-۲۲۲) روایت شده است. دوستی، همنشینی و همراهی با شیطان بازنمونی از وجود عینی و حضور او در زیست این مردمان است (آلوسی، ۳۶۵/۲؛ جاحظ، ۴۳۳/۶؛ فوزی، ۱۰-۱۲) در پنداره اعراب کهن شاعران از نیروی آسمانی بهره داشته که در سرایش شعر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

آنان را یاری می‌رساندند. (فیومی، ۵۱۹/۱) همنشینی با شیطان و داوری او میان شاعران جهت داوری شعر و ترجیح شعر، نمودی از کارکرد آن را در میان عرب پیشااسلام است.[۱] (القرشی، ۴۹/۱-۵۰؛ فوزی، ۱۰-۱۲)

گستره کاربرد انگاره غول به عنوان آفریده شیطان با کارکرد فریبکاری و قابلیت شکل‌پذیری و دگرگونی، به گونه عینی و انتزاعی در ادبیات این دوره قابل پی‌جویی است. (ابن‌کثیر، ۲۸۶/۲؛ التبریزی، ۴۴۳/۱) باور به جن‌پرستی، (الاعراف/۱۹۴) و حلول آن در جسم آدمی و دارابودن قدرتی برابر با خدا، شایستگی پرستش را برای آن ایجاد نمود. (وکیلی، ۱۰۶-۱۲۶) به هر روی وجود و نقش شیطان، غول و جن در زیست مردمان عرب پیشا اسلام یادآور کهن الگوهای اساطیری است. در رهیافت اساطیری، کنش انسان بدوی بازنمونی از رفتار ایزدان در آسمان است و انسان کهن متناسب با الگوی ازلی، رفتارش را تقلید می‌کرد. (الیاده، ۴۹-۵۰) براین اساس رفتار مقلدانه از شیطان، جن و غول، تلاش برای نزدیکی به آنها و دخالت‌گری این موجودات در فرایند زیسته افراد نوعی دگردیس شده فرهنگ اساطیری است.

۶- انگاره شیطان در فرهنگ اسلام

ساختار پایه‌ای واژه شیطان با گمانه‌های متفاوت قابل رایزنی است. برگرفته از «شَطَنَ» به ریسمان بلند که با آن از چاه آب کشیده می‌شود، (فراهیدی، ۲۳۶/۶؛ ازهری، ۲۱۳/۱۱) «شَاطَ، یَشیطُ» در معنای آتش گرفت یا هلاک شد (ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ بستانی، ۵۱۱) یا از واژه «شوط» به معنای یک بار دویدن و به‌پایان رسیدن (فراهیدی، ۲۷۵/۶؛ فیروزآبادی، ۵۶۲/۲؛ ابن‌منظور، ۳۳۷/۷؛ طریحی، ۲۵۹/۴) که به نظر می‌رسد این واژه در مفهوم محوری خود آرام آرام در پی کاربردهای مجازی دچار دگرگونش شد. (اشتفان، ۵۴) براین

---

۱. ابن مروزی روایت دیدار شاعری در بیابان با جنی به نام مسحل و درخواست شعرخوانی از شاعران بسان امرؤالقیس، نابغه ذبیانی، اعشی و دیگر شاعران و همنشینی با او را پیشا اسلام آورده است. (القرشی، ۴۸/۱-۵۰) روایت سفر اعشی برای دیدار با قیس بن معدی کَرِب در حضرموت که به دیدار شیطان (مسحل) می‌انجاند. (آلوسی، ۳۶۲/۲-۳۶۸).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

اساس واژه شیطان در آغاز برای امور عینی به‌کار می‌رفته و سپس در فرهنگ گفتمانی قرآن کریم با کارکرد وسوسه‌گری که در پی به بند کشاندن آدمیان است به ساحت معنایی انتزاعی دگردیس شده است. بنابراین در روایت‌گری قرآن کریم واژه شیطان در معانی ثانوی همانند «دورکننده انسان از حق»، «دور شدن از خیر»، (ابن‌درید، ۸۶۷/۲؛ طریحی، ۲۷۱/۶؛ فراهیدی، ۲۳۷/۶) «سرکشی» (طبرسی، ۳۶/۱؛ ازهری، ۲۱۴/۱۱) و در کارکرد اسمی برای «هر فرد پلید و بدخوی از جنّ و انس و حیوانات» به‌کار رفته است. (راغب، ۴۵۴؛ ابن‌منظور، ۲۳۸/۱۳؛ طبرسی، ۳۶/۱)

۷- مفهوم شیطان در روایت‌گری قرآن کریم

در روایت‌گری قرآن نام شیطان و ابلیس به عنوان موجودی شرور همسان انگاشته می‌شود. (البقره/ ۳۴-۳۶؛ الاعراف/ ۱۱-۲۰) به‌کارگیری شیطان در معنای ارواح خبیثه همساز با کار رفت آن در شعر کهن عرب می‌باشد و هم پیوند با کهن‌الگوی مار، غول‌ها و اجنه سازگار است. (جفری، ۲۸۳) ابلیس در روایت قرآن کریم موجود سرکشی است که در برابر فرمان خداوند سرکشی نمود «وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» (البقره/۳۴؛ الاعراف/۱۱؛ الاسراء/۶۱؛ طه/۱۱۶؛ الکهف/۵۰) افزون بر آن به ویژگی‌های اغواگری، (الحجر/۳۹؛ ص/۸۲؛ النساء/۱۱۹و۱۲۰) دشمن انسان، (البقره/ ۱۶۸ و ۲۰۸؛ الانعام/۱۴۲، الکهف/۵۰) رانده شده (الاعراف/۱۳ و۱۸؛ الحجر/۳۴) متکبر، (ص/۷۱-۷۶) لعن شده (النساء/۱۱۷-۱۱۸) زینت‌گر کارهای انسان (الحجر/۳۹) بوده و از هر طرف بر انسان می‌تازد (الاعراف/۱۷) بازشناخته شده است. ابلیس بعد از سرکشی در برابر خداوند، ملقب به شیطان شد که در برخی موارد مصداق آن خاص (ابلیس) است. (البقره/۳۶؛ الاعراف/۲۷؛ یوسف/۵؛ الاسراء/۵۳) و غالباً اسم عام برای هر موجود پلید اغواگر اعم از جن و انس و سپاهیان ابلیس است. (الانعام/۱۱۲) افزون برآن در قالب تشبهی برای هرکنش بد هم به کاررفته است. (الاسراء/۲۲) قلمرو تسلط شیطان، ساحت‌های تشریعی است و با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

سلاحی وسوسه‌گری (الناس/۴-۵) دعوتگری دارد. «وَ مَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لي (ابراهیم/۲۲) مرا بر شما هیچ غلبه و تسلّطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی‌پایه] و شما هم [بدون اندیشه و دقت دعوتم را] پذیرفتید.»

در قرآن‌کریم ویژگی و کارکرد شیطان در قالب همگونی روایت می‌شود. در این الگو شیطان با حسادت و تکبر، دشمنی پیوستار با آدمی دارد «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (الاعراف/ ۱۲) فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از این‌که سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.» و برخلاف روایت آغازین کتاب مقدس، محدودیت معرفتی شیطان با ناآگاهی از عالم غیب و امور نهانی هستی خوانش شده است. «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (الصافات/ ۶-۸) ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم [به طوری‌که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عالم بالا گوش فرادهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند.»

در خوانش قرآن کریم شیطان پس از نافرمانی و رانده شدن از بارگاه الهی از خداوند تا قیامت فرصت خواست. «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (الاعراف/ ۱۴-۱۵) گفت مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده. فرمود تو از مهلت یافتگانی.» و جایگاه پایانی وی و پیروانش در قیامت دوزخ روایت گردید. «فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (النساء/ ۱۱۹) پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس در حالی‌که به زانو درآمده‌اند آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد.» (مریم/ ۶۸) در این روایت، کنش‌گری شیطان به صورت وسوسه و فریفتگی پیوسته آدمی تلاش در جهت گردن نهادن و بندگی شیطان آمده است. «وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا. و هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعا دستخوش زیان آشکاری شده است.» افزون بر آن شیطان با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

بهره‌گیری از اختیار، به جای گزینش راه درست و رستگاری، راه کفر و دشمنی با انسان را انتخاب نموده که رهنمون به دوزخ است. آیات «وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِکَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَکَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (الجن/ ۱۴-۱۵) و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود.» و آیه «وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّیَاطِینُ عَلَی مُلْکِ سُلَیْمَانَ وَمَا کَفَرَ سُلَیْمَانُ وَلَکِنَّ الشَّیَاطِینَ کَفَرُوا (البقره/ ۱۰۲) و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند.» بازنمونی از آن است. در ادامه باید افزود که در روایت قرآن شیطان دارای جنسیت بوده بسان آدمیان زایش دارد. «أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّیَّتَهُ أَوْلِیَاءَ مِنْ دُونِی وَهُمْ لَکُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِینَ بَدَلًا (الکهف/۵۰) آیا [با این حال] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آن‌که آنها دشمن شمایند و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند.» و آفرینش آن‌ها پیش از آدمیان بوده است. «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ. (الحجر/ ۲۷) و پیش از آن جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم.»

در گفتمان قرآن کریم شیطان دارای ماهیت انتزاعی داشته و از دید آدمی نهان بوده و تنها برگزیدگان الهی از آن آگاهند. «إِنَّهُ یَرَاکُمْ هُوَ وَقَبِیلُهُ مِنْ حَیْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ لِلَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ (الاعراف/ ۲۷) در حقیقت او و قبیله اش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید می‌بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.» و نسبت شیطان با پیامبران و اوایای الهی ستیزه‌جویی است. «وَکَذَلِکَ جَعَلْنَا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَیَاطِینَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّکَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا یَفْتَرُونَ. و بدین‌گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.» (الانعام/۱۱۲)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

در برخی از آیات کاربرد واژه شیطان برای بیان زشت منظری[۱] است. «**إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ * طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ** (الصافات/۶۴-۶۵) آن درختی است که در قعر دوزخ می‌روید* شکوفه‌هایش مانند سرهای شیاطین [بسیار بدنما و زشت] است.»

در روایتگری قرآن کریم جن نیز در قالب وکارکرد شیطانی بیان گشته و بشر در همهٔ ادوار با آن آشنا بوده و او را دارای قدرتهای فوق بشری می‌پنداشته است. در کاربست قرآن کریم گاه مراد از شیطان طایفه جن است. «**وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّياطينُ عَلى مُلْكِ سُلَيْمانَ وَ ما كَفَرَ سُلَيْمانُ وَ لكِنَّ الشَّياطينَ كَفَرُوا** (البقره/۱۰۲) و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می‌خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین کافر شدند.» (طباطبایی، ۲۳۵/۱) در خوانش قرآن گاهی منظور از جن شیطان می‌باشد «**الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ* مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ**. (الناس/۴-۵) و برخی از شیطان‌های در تسخیر آدمیان قرار می‌گیرند. «**وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ**. و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند و ما مراقب [حال] آنها بودیم.» (الانبیاء/۸۲)

نتایج مقاله

۱- برآیند سیر تکون و تطور انگاره شیطان در پیوند با موضوع شر و نسبت دادن آن به نیروهای عینی است که در اساطیر (مصر، هند و بین النهرین) به شکل آیینی و چندخدایی بازتاب یافته و آنها را صاحب قدرت و تأثیرگذار در سرنوشت انسانی پنداشته‌اند.

۲- روایت‌گری تنخ از جهت وجود و کارکردی در پیوند با روایت‌های اساطیری و هم‌کنشی با تمدن‌های میان‌رودانی و ایرانی است و ایزدان بد سرشت و اهریمن/ انگره مئینو (زرتشتیان) به شیطان مبدل شد.

---

۱. در پندار عرب فرشتگان در نهایت زیبایی و شیاطین در نهایت زشتی بودند. (فخررازی، ۳۳۷/۲۶؛ طبرسی، ۲۹۱/۴؛ طباطبایی، ۱۴۰/۱۷).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۳- در الگوی روایی تورات، انگاره شیطان به صورت متفاوت انضمامی (عینی) و انتزاعی (ذهنی) گزارش شده است. به نظر می‌رسد ناهمسانی روایی شیطان در متن مقدس به دلیل همجواری، همزیستی و همکنشی بنی‌اسرائیل با تمدن‌های میان‌رودانی و غیر آن و پیوند این سرزمین‌ها با اساطیرشان، در فرآیند تاریخی باعث تاثیرگذاری نظام گفتمانی اساطیری در سنت نوشتاری و شفاهی تنخ بود.

۴- انگاره شیطان در پیشا اسلام به صورت عینی و حضوری در زیست فردی و اجتماعی مردمان سامی گسترده می‌باشد. قرآن کریم با گفتمان ویژه، خوانش نوینی از انگاره شیطان ارائه کرد و آن از حالت محسوس و ملموس در معنای ثانوی و انتزاعی به عنوان موجود سرکش، نافرمان، رانده شد، ملعون، اغواگر، وسوسه‌گر، دشمن و بدخواه انسان روایت کرده و افزون بر آن در گامی دیگر کنش‌ها زشت آدمیان در ساحت‌های گفتاری و رفتاری در تشبیهی به شیطان خوانش شده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. کتاب مقدس

۳. آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین مسیح، تهران، نگارش، ۱۳۸۹ش.

۴. آلوسی، سیدمحمود، روح‌المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم، به کوشش محمدحسین عرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

۵. همو، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، بیروت، دارالعلمیه، بی‌تا.

۶. ابن‌حزم اندلسی، ابومحمد علی بن احمد بن سعید، جمهره أنساب‌العرب، تحقیق لیفی بروفنسال، مصر، دارالمعارف، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

۷. ابن‌دریدالأزدی، محمدبن حسن، الاشتقاق، عبدالسلام محمدهارون، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.

۸. ابن‌قتیبه، ابومحمدعبدالله بن مسلم، الشعر والشعراء، تحقیق: احمدشاکر، مصر، دارالمعارف، ۱۴۲۳ق.

۹. ابن‌منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.

۱۰. ابن‌کثیر، عمادالدین اسماعیل، البدایة و النهایة، تصحیح و تعلیق علی شیری، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۱۱. ابن‌ناقیا، عبدالله‌بن محمد، الجمان فی تشبیهات القرآن (ترجمه)، آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴ش.

۱۲. ازهری، ابومنصور محمدبن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۱۳. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، تهران، سروش، ۱۳۸۷ش.

۱۴. اشتفان، فیلد، الاساس فی اللغة العربیه، ترجمه سعیدحسن بحیری، قاهره، مؤسسة المختار، ۲۰۰۲م.

۱۵. اشرفی، عباس، معناشناسی داستان و اسطوره در قرآن، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۷۸ش.

۱۶. امیرکانی، جیمس انس، نظام التعلیم فی علم اللاهوت القویم، بیروت، الأمیرکان، ۱۸۸۸م.

۱۷. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.

۱۸. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ش.

۱۹. بلک، جرمی، گرین، آنتونی، فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمهٔ پیمان متین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ش.

۲۰. بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، تهران، چشمه، ۱۳۷۵ش.

۲۱. بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، مترجم ذبیح‌الله دبیر، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ش.

۲۲. پورداود، ابراهیم، گات‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸ش.

۲۳. التبریزی، ابی زکریا یحیی بن علی، شرح دیوان الحماسه، کتابخانه دیجیتالی مدرسه فقاهت، بی‌تا.

۲۴. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۵ش.

۲۵. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، الحیوان، الطبعة الثانیة، بیروت، دارالکتب، ۱۴۲۵ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۲۶. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، ۱۳۸۶ش.
۲۷. چیغ، مغزز علمیه، تورات در اعماق سنگ نبشته‌ها: پژوهشی پیرامون ریشه‌های کتب مقدس در کتیبه‌های سومری، برگردان، صاحب قلم، روح‌الله، تبریز، ارک، ۱۳۹۰ش.
۲۸. حموی بغدادی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م.
۲۹. خانی، حامد، قرآن‌پژوهشی و تاریخ انگاره‌ها (مقالات برگزیدهٔ نخستین همایش ملی کاربرد رویکرد تاریخ انگاره در مطالعات قرآنی)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکدهٔ قرآن و عترت، ۱۳۹۷ش.
۳۰. خدابخشی، سهراب، پزشکی در ایران باستان، تهران، فروهر، ۱۳۷۶ش.
۳۱. دماوندی، مجتبی، «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت»، مطالعات ایرانی، پیاپی۱۰، ۱۳۸۵ش.
۳۲. دوبوکور، مونیک، رمزهای زنده جان، ترجمهٔ جلال ستاری، تهران، مرکز، ۱۳۸۷ش.
۳۳. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، مفردات ألفاظ القرآن. بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۳۵. رستگار فسایی، منصور، پیکرگردانی در اساطیر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹ش.
۳۶. رستمی، محمدحسن، و دیگران رهایی از رنج در آموزه های قرآنی و آیین بودا، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۸، ۱۳۹۲ش.
۳۷. ژیران، فلیکس، دلاپورت، لویی‌ژوزف، لاکوئه، جی، فرهنگ اساطیر آشور و بابل، ترجمهٔ ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران، فکر روز، ۱۳۷۵ش.
۳۸. سامی، علی، تمدن هخامنشی، تهران، پازینه، ۱۳۸۹ش.
۳۹. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ادیان ابتدایی و خاموش، قم، آیت عشق، ۱۳۸۲ش.
۴۰. شاله، فلیسین، تاریخ مختصر ادیان، ترجمه منوچهر خدایا محبی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش.
۴۱. شوالیه، ژان، فرهنگ نماده: اساطیر رویاها رسوم و...، ترجمه و تحقیق سودابه فضایلی، تهران، جیحون، ۱۳۷۹ش.
۴۲. صفا، ذبیح‌اللّه، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ش.
۴۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴۴. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۵. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم، حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۱۲ق.
۴۶. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۴۷. عباسی، سلیمان، و دیگران، «تبارشناسی انگاره شیطان در تورات و قرآن کریم»، پژوهش دینی، دوره ۱۹، شماره ۴۰، ۱۳۹۹ش.
۴۸. عسگری، انسیه، «معناشناسی نوین از واژه شیطان»، پژوهش‌های قرآنی، سال۱۶، شماره۶۴، ۱۳۸۹ش.
۴۹. غفاری قدیر، جلال، یاوری، بهروز، بازنمایی دوران دفاع مقدس (جنگ عراق و ایران) در سایت و شبکه بی‌بی‌سی فارسی، مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال۳، شماره۱، ۱۳۹۶ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۵۰. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۱. فرامرز قراملکی، احد، قدرت انگاره، تهران، مجنون،۱۳۹۶ش.
۵۲. فروند، ژولین، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه: محمد کاردان، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲ش.
۵۳. فوزی، خلیل عطوی، دیوان الاعشی، بیروت، دارصعب، ۱۹۸۰م.
۵۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵۵. الفیومی، محمدابراهیم، تاریخ الفکرالدینی‌الجاهلی، الطبعة الرابعة، دارالفکر العربی، ۱۴۱۵ق.
۵۶. قائمی‌منش، فائزه، نشانه‌شناسی تصویری نقش مار در آثار احمد نادعلیان براساس دیدگاه پیرس، هنرهای کاربردی، شماره۸، ۱۳۹۵ش.
۵۷. قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران، فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۱ش.
۵۸. القرشی، ابوزیدمحمدبن‌الخطاب، جمهرة اشعارالعرب فی الجاهلیة و الاسلام، مصر، الناشر نهضة مصر، ۱۹۸۱م.
۵۹. کاژدان، آ. و دیگران، تاریخ جهان باستان، جلد اول، شرق، ترجمه صادق انصاری و دیگران، تهران، اندیشه، ۱۳۵۳ش.
۶۰. کرتیس، وستا سرخوش، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۸۶ش.
۶۱. کلانتر، نوش آفرین، و دیگران، نمادینگی اژدها در عرفان و دین و بن‌مایه‌های اساطیری آن، کاوش‌نامه، دوره۲۰، شماره۴۱، ۱۳۹۸ش.
۶۲. کولب، ویلیام، گولد، جولیوس، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمهٔ باقر پرهام، تهران، مازیار، ۱۳۸۴ش.
۶۳. کومون، فرانتس، ادیان شرقی در امپراتوری روم، ترجمه ملیحه معلم و پروانه عروج، تهران، سمت، ۱۳۷۷ش.
۶۴. گرامی، سیدمحمّدهادی، دهقانی، علیرضا، مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۶ش.
۶۵. گری، جان، اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)، ترجمهٔ باجلان فرخی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۸ش.
۶۶. گلشنی، علی، «فهم فلسفی و تاریخی اندیشه سیاسی براساس تلفیقی از دیدگاههای اسکینر، اکشات و اسپریگنز»، نامهٔ مفید، شماره ۶۸، ۱۳۸۷ش.
۶۷. گیل گمش، ترجمه احمد شاملو، تهران، چشمه، ۱۳۹۲ش.
۶۸. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، قم، انتشارات منطق (سینا)، ۱۳۷۳ش.
۶۹. مرتضوی، سید خدایار، «کاوشی در روش شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی»، در فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۱، ۱۳۸۸ ش.
۷۰. مظفری، علیرضا، زارعی، علی‌اصغر، ضحاک و بین‌النهرین، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال۹، شماره۳۳، ۱۳۹۲ش.
۷۱. میلر، ویلیام مک‌الوی، تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، تهران، انتشارات حیات ابدی، ۱۹۸۱م.
۷۲. ناس. جان‌بی، تاریخ جامع ادیان، علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی،۱۳۷۰ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]

۷۳. نایب‌زاده، راضیه، سامانیان، صمد، اژدها در اسطوره‌ها و فرهنگ ایران و چین، ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، سال یازدهم، دوره۱۱، شماره ۳۸، ۱۳۹۴ش.

۷۴. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۹۴ش.

۷۵. هوردرن، ویلیام، راهنمای الهیات پروتستان، ترجمه طاطهوس میکائلیان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ش.

۷۶. هوشنگی، لیلا، و دیگران، درباره یهود (بنی‌اسرائیل، تورات، تلمود)، تهران، نشر مرجع، ۱۳۹۱ش.

۷۷. هینلز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمهٔ باجلان فرخی. تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵ش.

۷۸. وکیلی، الهه، ویژگی‌های خلقت جن از منظر قرآن، اندیشه نوین دینی، شماره۱۱، ۱۳۸۶ش.

۷۹. الیاده، میرچا، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه: ستاری، جلال، تهران، توس، ۱۳۶۲ش.

۸۰. همو، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش، ۱۳۸۵ش.

۸۱. یوسفیان، حسن، کلام جدید، تهران، سمت، ۱۳۹۱ش.

82. Baden, Joel S. The Composition of the Pentateuch: Renewing the Documentary Hypothesis. Anchor Yale Reference Library, New Haven, Yale University Press, 2012.
83. Campo, J. E. Satan, Encyclopedia of Islam, New York City, Infobase Publishing, 2009.
84. kelley, Donald R. “What is Happening to the History of Ideas?” in: Journal of the History of Ideas, No. 51, 1990.
85. Kelly, H. A. Satan: A Biography, Cambridge, England, Cambridge University Press, 2006.
86. Lovejoy, A. O. The Great Chain of Being A Study of the History of an Idea, The William James Lectures Delivered at Hrvard University, 1936.
87. Skinner, A. Serpent Symbols and Salvation in the Ancient Near East and the Book of Mormon, London, 2001.
88. Thorkild, Jacobsen, “The Battle between Marduk and Tiamat” Journal of the American Oriental Society, No 88, 1968.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-09-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.15.29.10.1]